

اقتصاد مقاومتی، الگوی ایرانی-اسلامی توسعه اقتصادی

یوسف محمدزاده^۱

علی صابری^۲

چکیده

با توجه به اینکه از یک طرف توسعه اقتصادی به مفهوم رشد اقتصادی از درون یک جامعه و با تکیه بر تواناییهای مردم با ایجاد عزت نفس و احترام متقابل در بین افراد و استقلال آن کشور در مسیر تکاملی و بلندمدت است و از طرف دیگر توسعه اقتصادی در اسلام، ارتباط خداوند و جاری و ساری بودن احکام او در جامعه را نیز در بر گرفته و ماهیت مادی و معنوی پیدا می کند، و همچنین از آنجائیکه کشور ایران از همان ابتدای تحولات مدرن بشری، به علت موقعیت جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی خود و همسایگانش از وضعیت استراتژیک برخوردار بوده و همواره مورد توجه سایر کشورها بوده است، می بایست برای توسعه اقتصادی ایران یک الگوی بومی و اسلامی پیشرفت تدوین کرد. اقتصاد مقاومتی، الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی در حیطه اقتصاد است. این ادعا از اهداف اقتصاد مقاومتی و ماهیت آن سرچشمه می گیرد. در الگوی اقتصاد مقاومتی، اهدافی همچون مقابله با فشارهای بیرونی و درونی، تحقق عدالت اقتصادی، توان رقابت بین المللی، اقتصاد مردمی و الگوی بومی و اسلامی پیشرفت دنبال می شود. اقتصاد مقاومتی یک ریشه در اقتصاد اسلامی و یک ریشه در شرایط و مقتضیات روز کشور ایران دارد. یعنی عبور از ناهمواریهای مسیر پیشرفت ملت ایران با محوریت توحید و اسلام.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، الگوی ایرانی-اسلامی توسعه اقتصادی

۱- مقدمه

امروزه اهمیت توسعه اقتصادی و نقش بارز آن در بنا نهادن جامعه‌ای آرمانی، بر هیچ کس پوشیده نیست تا آنجا که می توان آن را از اولویتهای دنیای امروز دانست، اولویتی که بر اساس آن بسیاری از محاسبات و معادلات جهانی شکل می گیرد. توجه در متون اسلامی در این زمینه، نشان می دهد که اسلام در پرداختن به مسائل و مباحث مربوط به توسعه اقتصادی، از همه مذاهب و مکاتب دیگر پیشی گرفته است. توسعه اقتصادی عبارتست از رشد اقتصادی همراه با تغییرات بنیادین در اقتصاد و افزایش ظرفیتهای تولیدی اعم از ظرفیتهای فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد. بنابراین توسعه اقتصادی می تواند به عنوان یک هدف مهم برای مردم یک جامعه تلقی گردد. با توجه به خصوصیت رشد از درون توسعه اقتصادی، هر ملتی برای اینکه به این هدف نایل گردد باید از درون خود و با

musakandi@yahoo.com

^۱ دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

^۲ کارشناس ارشد دانشگاه علامه طباطبائی-سرپرست بودجه سازمان توسعه برق ایران

تکیه بر توانمندیهای خود در این مسیر قدم بگذارد. چرا که توسعه یک کالای خریدنی یا تحمیلی نیست و با تغییر ارزشها، فرهنگها، رفتارها و قابلیت‌های یک ملت همراه است. با زیر سلطه بودن یک ملت، هرگز توسعه اقتصادی آن محقق نخواهد شد.

کشور ایران یک موقعیت استراتژیک در طول تاریخ داشته است، این نکته باعث گردیده که در تمامی سالهای دو قرن گذشته، همیشه خارجیانی یکی از عوامل اساسی در طراحی استراتژی تحول جامعه باشند. لذا به نظر می‌رسد که استراتژی تحول اجتماعی و اقتصادی کشور در تمامی مقاطع زمانی طی دوران مدرن بشری در اثر ارتباطات پیچیده و متقابل عوامل خارجی و داخلی شکل گرفته باشد

با توجه به اینکه ارزشها و باورهای یک ملت، محور اصلی مسیر توسعه آن است، در برنامه ریزی توسعه ای هر جامعه ای باید به ارزشها توجه ویژه کرد. کشور ایران یک کشور اسلامی با هدف استقلال و آزادی در حال رشد و پیشرفت در تمامی زمینه ها می باشد. با توجه به مقتضیات و شرایط کشور، در حال حاضر ایران با چالشهایی روبروست که منحصر به خود بوده و باید الگوی بومی برای عبور از این ناهمواریها پیدا کند.

یکی از بحثهای بسیار مهم روز کشور، بحث حصول به اقتصاد مقاومتی می باشد. اقتصاد مقاومتی که توسط رهبری از سال ۱۳۸۶ مورد تاکید می باشد، هر روز در جامعه با توجه به شرایط آن، پر رنگ تر می شود، الگوی اقتصاد مقاومتی دارای اهداف و خصوصیات است که ریشه در شرایط درونی و بیرونی جامعه و همچنین ریشه در ارزشها و باورهای ملت دارد. بنابراین یک الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت در مسیر توسعه اقتصادی را تداعی می کند که توجه و برنامه ریزی در جهت آن، بهترین الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی در حوزه اقتصاد خواهد بود.

۲- مفهوم توسعه اقتصادی

توسعه با زندگی اجتماعی انسان در ارتباط است و ابعاد آن با زندگی اجتماعی برابر است.^۴ توسعه وقتی اتفاق می افتد که در نیازهای اساسی انسان بهبود حاصل گردد و پیشرفتهای اقتصادی، اعتماد به نفس را در مردم یک کشور افزایش دهد.^۴ تودارو سه شاخص تامین معاش^۵ (مسکن، پوشاک، غذا و آموزش)، اعتماد به نفس^۶ (احساس احترام به خود^۷ و داشتن استقلال و زیر سلطه نبودن) و آزادی^۸ (رهایی از نیاز^۹، جهل^{۱۰} و فقر^{۱۱}) و احترام به دیگران (عزت نفس متقابل) را جزء شاخصهای توسعه معرفی کرده اند.

توسعه باید دارای چندین خصوصیت باشد: اول اینکه توسعه یک فرآیند است نه پدیده دفعی. دوم اینکه تکاملی است و مرحله به مرحله انجام می شود؛ سوم توسعه درونزاست و جامعه باید با تکیه بر خود و ریشه های خود مسیر توسعه را آغاز کند و نه اینکه توسعه از برون به وی تحمیل گردد؛ چهارم توسعه رشد همه جانبه است و باید تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و در واقع جهان بینی جامعه تکامل یابد و در نهایت

۴. بهشتی، ۱۳۸۳

۴. thirlwall, 1999

۵. Life-sustenance

۶. self-esteem

۷. self-respect

۸. freedom

۹. want

۱۰. ignorance

۱۱. squalor

توسعه در طول زمان اتفاق می افتد و نمی توان از خصوصیات کوتاه مدت یک جامعه آن را توسعه یافته تلقی نمود.



نمودار شماره ۱: خصوصیات و ابعاد توسعه

توسعه اصولاً به تکامل عقلانی، مادی و معنوی خرده نظام های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظام اجتماعی فرهنگی یک کشور مشخص اشاره دارد. دو نوع نگرش نسبت به تعریف توسعه وجود دارد:

۱. نگرش براساس رشد اقتصادی؛ مشخصه نگرش نخست، نظریه رشد اقتصادی و ارزش هایی است که رشد اقتصادی بر آن ها استوار است. از این دیدگاه، توسعه عبارت است از «افزایش سریع و پایدار تولید سرانه ناخالص ملی (یا داخلی) که احتمالاً با کوشش برای کاهش نابرابری درآمدهای ناشی از این افزایش، همراه می شود». در این نگرش، تولید ثروت، نقش اساسی دارد و ارزش های دیگری همچون معرفت، عرفان، اخلاق، قدرت، همبستگی، اعتماد به نفس و آزادی فرد، نقش مهمی ندارند.

۲. نگرش براساس آزادی فردی؛ نگرش دوم برخلاف نگرش نخست، توسعه را فرایندی برای رشد آزادی فرد در دنبال کردن هدف های ارزشمند خود می داند. در این نگرش، جایگاه ثروت مادی و اقتصادی، صرفاً یکی از کارکردهای نظام ارزشی است و فرهنگ در نظام های سکولار و دین و فرهنگ دینی در نظام های دینی، تعیین کننده پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است.^{۱۲}

۲-۱. موانع توسعه اقتصادی^{۱۳}

دوره های باطل فقر؛ دور باطل از این حقیقت نشأت می گیرد، که در کشورهای در حال توسعه، بهره وری و کارایی کل، به دلیل کمبود و عدم کارایی سرمایه، ناکامل بودن بازار و عقب ماندگی اقتصادی، اندک است. لذا بهره وری پایین، باعث درآمد حقیقی پایین و درآمد پایین به معنی پس انداز اندک است. پس انداز اندک، خود را در سرمایه گذاری های اندک و عدم کارایی و کمبود سرمایه جلوه گر می سازد. عدم کارایی و کمبود سرمایه، سبب بهره وری کم می شود و این خود، منجر به ایجاد درآمدهای ناچیز شده و دور باطل فقر مجدداً شروع می شود.

نرخ ناچیز تمرکز سرمایه؛ به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، مهمترین عامل توسعه نیافتگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه، کمبود سرمایه است. در اکثر این کشورها، مردم در فقر به سر می برند و اکثر آنها بی سواد و فاقد تخصص های لازم برای تولید بوده و از وسایل سرمایه ای کهنه برای تولید استفاده می کنند. لذا

^{۱۲} جهانیان، ناصر (۱۳۸۶)

^{۱۳} قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۳)

تولید نهایی بخش کشاورزی بسیار ناچیز است و بهره‌وری ناچیز نیز سبب درآمد نهایی بسیار ناچیز شده است. به همین جهت، پس‌انداز کم، سرمایه‌گذاری کم و در انتها سبب ایجاد تمرکز ناچیز سرمایه می‌شود. موانع اجتماعی-فرهنگی؛ همانطور که به اعتقاد نورکس^{۱۴} «توسعه اقتصادی تا حد زیادی نه تنها به فراوانی سرمایه، بلکه به خصوصیات فردی، اجتماعی و شرایط تاریخی کشورهای در حال توسعه نیز بستگی دارد. سرمایه برای توسعه اقتصادی لازم است؛ ولی شرط کافی نیست.»

کمبود نیروی انسانی متخصص؛ توسعه نیافتگی منابع نیروی انسانی در کشورهای در حال توسعه، یکی از موانع مهم در توسعه اقتصادی این کشورهاست. به جز معدودی از این کشورها، اکثر آنها فاقد نیروی کار ماهر و متخصص لازم برای توسعه همه‌جانبه در اقتصاد هستند. منابع انسانی توسعه نیافته، خود را از طریق بهره‌وری ناچیز نیروی کار عامل، عدم تحرک جغرافیایی و اقتصادی، محدود بودن تخصص‌ها در مشاغل کلیدی اجتماع، نمایان می‌سازد. تمام این عوامل دست به دست هم داده و محرک‌های توسعه اقتصادی را به حداقل می‌رساند. در ادبیات کشورهای اروپایی از دهه چهل میلادی به این سو، «توسعه» به صورت اصطلاحی در اقتصاد رواج یافته است. در آغاز، توسعه را مترادف «رشد تولید ناخالص داخلی» می‌دانستند^{۱۵}، اما با گذشت یک دهه، تجربه‌هایی که برای تحقق توسعه، راه افزایش تولید ناخالص داخلی را پیموده بودند، نشان داد که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست، بلکه حالتی است که ابعاد دیگر نیز دارد؛ ابعادی همچون توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، و مانند آن‌ها. با گذشت زمان، مفهوم توسعه دارای ابعاد گوناگون و گسترده دیگری نیز شد، به گونه‌ای که امروزه شامل توسعه محیط و توسعه انسانی نیز می‌شود. به موازات این تحول مفهومی، معیارهای توسعه نیز شاهد تحول و تکامل شد، به حدی که در زمان ما تا دویست شاخصه برای آن برشمرده‌اند که مهم‌تر آن‌ها عبارت است از: نرخ درآمد ناخالص داخلی، سرانه آموزش، نسبت اشتغال، امیدواری به زندگی، توزیع درآمد، تعداد پزشکان و پرستاران و مجموعه‌های درمانی و خدمات بهداشتی برای هر نفر، امکان دستیابی به آب آشامیدنی سالم و غیره.

۲-۲. شاخص‌های توسعه اقتصادی

شاخص توسعه انسانی؛ که توسط محبوب الحق، اقتصاددان پاکستانی و همفکرانش، آمارتیاسن^{۱۶} (۱۹۳۳) و پال استریتین^{۱۷} (۱۹۱۷) به وسیله «برنامه توسعه سازمان ملل UNDP^{۱۸}» ارائه شد و از سال ۱۹۹۰ به بعد سالانه منتشر می‌شود، گامی به جلو بوده است. رویکرد توسعه انسانی ادامه‌دهنده توسعه و تعمق نظریه نیازهای اساسی است. به عبارت دیگر، توسعه انسانی فراتر از نیازهای اساسی است و تمامی انسان‌ها اعم از فقیر و غنی و همه کشورها اعم از صنعتی و کشورهای با درآمد پایین را نیز شامل می‌شود. شاخص توسعه انسانی شامل متغیرهای زیر است:

۱. لگاریتم GDP سرانه برحسب برابری قدرت خرید؛

۲. نرخ بی‌سوادی یا میانگین سالهای آموزشی در مدرسه؛

۳. انتظار طول عمر در بدو تولد.

^{۱۴}. Ragnar Nurkse

^{۱۵} ولفگانگ زاکس

^{۱۶}. Amartya Sen

^{۱۷}. Paul Streeten

^{۱۸}. United Nations Development Programme

اهمیت توسعه انسانی در این است که: (۱) قبل از هر چیز توسعه انسانی یک هدف است و نیاز به توجیه ندارد. (۲) توسعه انسانی در عین حال وسیله بهره‌وری و رشد اقتصادی بالاتر است. (۳) توسعه انسانی موجب کاهش زاد و ولد می‌شود؛ زیرا تمایل به داشتن خانواده‌های کوچک‌تر را بیش‌تر می‌کند. (۴) توسعه انسانی برای شرایط زیست‌محیطی حائز اهمیت است. فقرا هم عامل و هم قربانیان اصلی اضمحلال میط زیست هستند. (۵) کاهش فقر، یک جامعه مدنی سالم و با ثبات اجتماعی بیش‌تری ایجاد می‌کند و از ناامنی می‌کاهد. شاخص خوشحالی سیاره^{۱۹}؛ یک شاخص رفاه انسانی و اثرات زیست‌محیطی است که به‌وسیله بنیاد اقتصاد نو در سال ۲۰۰۶ مطرح شد. شاخص (HPI) بر این اصول اساسی بنا شده است که همه مردم می‌خواهند عمر طولانی داشته باشند و از زندگی راضی باشند. در این حالت کشوری بهترین موقعیت را دارد که برای شهروندانش چنین فرصتی را فراهم کند. فرصت خوشحال و شاد بودن به‌نحوی باید باشد که موجب از دست رفتن فرصت دیگران و یا مانع خوشحالی و شادی دیگران و نسل‌های آتی و مردم کشورهای دیگر نشود. طولانی بودن زندگی و راضی بودن از آن، به‌عنوان سالهای شاد زندگی در نظر گرفته می‌شود. شاخص (HPI) هر کشور تابعی از میانگین رضایت ذهنی از زندگی، انتظار طول عمر در بدو تولد و مقدار فوت اکولوژیکی سرانه منابع است؛ که از نظر مفهومی به‌صورت تقریبی از حاصل ضرب رضایت از زندگی و انتظار طول عمر و تقسیم آن بر هر فوت اکولوژیکی به‌دست می‌آید.

شاخص کیفیت زندگی؛ اخیراً واحد اطلاعات اکونومیست، یک شاخص جدید به‌نام "کیفیت زندگی" را براساس روان‌شناسی واحدی توسعه داده است که نتایج بررسی‌های رضایت از زندگی را با عوامل کیفیت زندگی در بین کشورها مرتبط کرده و در حقیقت، شاخص ترکیبی به‌دست آورده و این شاخص را برای ۱۱۱ کشور در سال ۲۰۰۵ محاسبه کرده است. مهم‌ترین متغیرهای مربوط به شاخص کیفیت زندگی عبارتند از: بهداشت، رفاه مادی، ثبات سیاسی، امنیت روابط خانوادگی و شرکت در اجتماعات، شرایط آب و هوایی، امنیت شغلی، آزادی سیاسی و برابری جنسی. مقادیر و ارزش نمره رضایت از زندگی از طریق این نه متغیر محاسبه می‌شود که مبین شاخص کیفیت زندگی در یک کشور است.

درآمد یا تولید ناخالص ملی؛ یکی از معیارهای اندازه‌گیری توسعه اقتصادی افزایش درآمد ملی واقعی در طول یک دوره بلندمدت اقتصادی است. افزایش در طول این دوره، نمایانگر رشد مداوم واقعی است. بنابراین افزایش ناگهانی و غیر تولیدی در درآمد ملی در کوتاه‌مدت بیان‌گر توسعه اقتصادی نیست.

شاخص فرهنگی؛ برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی یک جامعه می‌توان شاخص فرهنگی را ملاک قرارداد؛ مانند میزان التزام و احترام افراد به قانون، نظم‌پذیری جمعی، تعهد به کار و تلاش، احترام به حقوق، تفاهم فرهنگی و وفاق اجتماعی.^{۲۰}

۳- توسعه اقتصادی از نگاه اسلام

در دیدگاه اسلامی، توسعه اقتصادی برای جامعه، دستاورد برنامه‌های اسلام در اجرای احکام الهی و جامعه عمل پوشاندن به تعالیم آسمانی است. تا آنجا که نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله هر روز پس از نماز صبح - به‌گونه‌ای که اصحاب صدایشان را بشنوند- در کنار دعا برای اصلاح دین و آخرت، سه مرتبه این جملات را

^{۱۹} . Happy Planet Index

^{۲۰} . خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۱)

می فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي؛^{۲۱} بار خدایا! دنیای مرا به سامان آور؛ همان را که مایه زندگانی من قرار داده‌ای»

در این دیدگاه، جامعه انسانی هر گاه فرصت یابد تا دین خدا را به شیوه‌ای درست در زمین جاری سازد، شاهد شکوفایی اقتصادی - بیش از آن چه در تصوّرش گنجد - خواهد بود؛ و چنین روزی بی‌شک خواهد آمد. امام صادق علیه‌السلام در توصیف جامعه‌ی پس از ظهور حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف می‌فرماید: «...وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ؛ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛^{۲۲}

...و کسی از شما به دنبال فردی می‌گردد که مالش را بستاند و زکاتش را بپذیرد، اما هیچ کس را نمی‌یابد که چنین کند، مردم از رهگذر روزی‌هایی که خداوند با فزون بخشی خویش به ایشان عطا فرموده، بی‌نیاز شده‌اند.»

در این رهگذار، قرآن کریم مردم را برمی‌انگیزد که با کار و تلاش پیوسته، زمین را آباد کنند و از ایشان می‌خواهد که موهبت‌ها و برکت‌های زمین را آن‌سان که برای زندگانی ابدی‌شان سودمند افتد، به کار گیرند. «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛^{۲۳} و از بخشایش او است که شب و روز را برای شما قرار داد تا در آن [شب] آرام گیرید و [در روز] از فزون بخشی او [روزی] بجویید؛ و باشد که سپاس گزارید.»

پیشوایان و راهبران بزرگ اسلام، پیشگامان عرصه توسعه اقتصادی بودند. ایشان را می‌نگری که همت‌هاشان را در تلاش سختکوشانه و پیوسته صرف می‌کنند و از پروردگار خویش خاضعانه می‌خواهند که از فقر نجاتشان بخشد و از تنگنای اقتصادی دورشان دارد.^{۲۴}

در جانب دیگر این دیدگاه، می‌نگریم که اسلام، واپس ماندگی اقتصادی را نکوهش می‌کند و آن را از گونه‌های بلا و مصیبت و نیز از مجازات‌های خداوند و نشانه خشم او و ناخشنودی‌اش از جامعه، می‌شمارد.^{۲۵} «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛^{۲۶} و خداوند شهری را مَثَل می‌زند که امن و آرام بود، روزی آن به فراوانی از هر جای می‌رسید، اما [مردم آن] نعمت‌های خدای را ناسپاسی کردند. پس خدا به سزای آن چه می‌کردند، جامه گرسنگی و ترس به [مردم] آن چشانید.»

تعریف رایج توسعه در ادبیات غرب نشان می‌دهد که این تعریف مبتنی بر نگرش مادی به حیات است. آن چه انسان معاصر از توسعه می‌فهمد، از پیشرفت و رفاه مادی و از مرزهای این دنیا فراتر نمی‌رود. بر پایه این نگرش و جهان‌بینی، توسعه با همه شاخصه‌هایش، از دایره رفاه مادی در نمی‌گذرد.

^{۲۱}. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ قمری)

^{۲۲}. الإرشاد: ۲ / ۳۸۱ ر. ک: ری شهری، محمد (۱۳۸۲)

^{۲۳}. القصص: ۷۳.

^{۲۴}. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۲)

^{۲۵}. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۲)

^{۲۶}. النحل: ۱۱۲.

اما در جهان بینی اسلامی، وضع فرق می‌کند. در چهارچوب بینش اسلامی، انسان موجودی است که از جسم و روح ترکیب یافته و افزون بر نیازهای مادی، خواست‌های معنوی نیز دارد؛ پس زندگی وی در میان دیوارهای این دنیا محدود نمی‌شود، بلکه او موجودی است ابدی که مراحل حیانتش متفاوت هستند. اسلام، ذاتاً، شیوه‌ای برای توسعه و تکامل؛ برنامه‌ای برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان؛ و طرحنامه‌ای جهت برآوردن خواسته‌های دنیایی و آخرتی او است، به گونه‌ای که از رهگذر آن، انسانیت بتواند به جایگاه نمونه و سعادت‌مندانه حیات بشری ارتقا یابد.

در نگاه اسلام، جهان بینی مادی نمی‌تواند به نیازهای واقعی انسان پاسخ گوید، هر چند که صدها شاخص دیگر را به شاخص‌های توسعه بیفزاید؛ این نوع نگرش قادر نیست جامعه انسانی را به قلّه مطلوبش رهنمون گردد. بشریت برای دستیابی به توسعه همه جانبه، راهی ندارد جز آن که شیوه خدایی دین را پی گیرد که بر پایه شناخت واقعی انسان و درک نیازهای فطری او استوار است.

در پرتو این نگرش، ویژگی نخست توسعه اسلامی، فراگیری و شمول آن در دایره همه ابعاد حیات انسان است. دیگر اجزای این بنا نیز بر همین پایه استوارند و بازگشت دیگر ویژگی‌های توسعه اسلامی نیز به همین ویژگی است.

به همان اندازه که در ادبیات اقتصادی معاصر، توسعه دارای مفهومی محدود است و میان دیوارهای نیازهای مادی انسان جای می‌گیرد، در جهان بینی اسلامی، افقی گسترده دارد و با نیازهای فراگیر و نامحدود انسان سازگار است.

از طرفی دیگر وقتی همه امور در یک چیز به نام هدف تمرکز می‌یابد، طبیعی است که آن هدف مرکز ثقل همه ارزش‌ها و آرمان‌ها گردد و مرکزی شود برای جذب همه تلاش‌ها و رویکردها. این، همان جایگاهی است که توسعه اقتصادی در عصر جدید یافته است.

اما در تمدن اسلامی، توسعه اقتصادی هدف برتر نیست. در این تمدن، هدف آن است که همه استعداد‌های انسانی شکوفا گردد و نهفته‌های او هویدا شود تا به سوی کمال مطلق راه برد و به سعادت ابدی و پایدار دست یابد. توسعه اقتصادی، تنها مقدمه‌ای برای رسیدن به همین هدف است. با همین رویکرد است که اسلام، جامعه انسانی را نیازمند تحقق رفاه فراگیر و ارتقا یافتن به کمال مطلق می‌داند تا در کنار شاخصه‌های مادی و دنیایی، همچون درآمد ناخالص ملی، سرانه آموزش، دستیابی به امکانات گوناگون زندگی، آزادی انتخاب، مشارکت سیاسی، و همانند آن‌ها، به ضرورت‌های دیگر که در رشد و ارتقای شاخصه‌های معنوی، همچون ایمان و اخلاق و اعمال صالح متجلی می‌شوند، نیز عنایت ورزد.

۳-۱. پایه‌های توسعه اقتصادی در اسلام

اسلام در توسعه اقتصادی مطلوبش از ارکان و اصول عام توسعه - که مورد توجه همه مکتب‌ها و رویکردهاست - غافل نبوده و بدان توجه لازم را داشته است. البته آن چه ممکن است محل بحث باشد، میزان نقش و تأثیر این اصول و ارکان شش گانه ذیل در مسیر توسعه و افق حرکت آن‌ها، براساس تعریف و هدف فرض شده برای توسعه، است. این شش عنصر که پایه‌های توسعه اقتصادی بوده و هر یک، جایگاهی در خور و نقشی مهم در این جهت ایفا می‌کند عبارتند از: ۱- دانش ۲- برنامه ریزی ۳- کار ۴- بازار ۵- مصرف ۶- دولت

اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن از ارکان شش‌گانه توسعه، رکن دانش است، امروز، بیش از هر زمان دیگر، آشکار شده که علم نقش اول را در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. در این حقیقت هرگز نمی‌توان تردید کرد، حال آن که اسلام پیش از چهارده قرن قبل، آن را اعلان کرده بود. پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ»^{۲۷}: خیر دنیا و آخرت، با علم تأمین می‌شود و شر دنیا و آخرت، آمیخته با جهل است.

بخشی مهم از مباحث مرتبط با توسعه اقتصادی در روایات اسلامی، مربوط به فعالیت‌های بازار است. حتی از پیامبر گرامی روایت شده است: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ»^{۲۸}: نه دهم روزی در بازرگانی است. اگر جامعه انسانی بتواند روش و برنامه اسلامی در توسعه همه‌جانبه را عملی کند، فقر از اجتماع بشری رخت بر می‌بندد و ریشه کن می‌شود. این همان تصویر تابناکی است که پیشوایان و رهبران اسلام در سایه توسعه نوید داده شده، برای روزی از روزهای بشر ترسیم کرده‌اند.

در اجتماع موعود اسلامی، انسان در جست و جوی نیازمندی برمی‌آید تا به وی کمک کند، اما او را نمی‌یابد.^{۲۹} اما ضمن انتظار کشیدن برای رسیدن جامعه به چنان سطحی، یکی از اهداف اقتصاد اسلامی، تأمین نیازهای اساسی نیازمندان و محتاجان است، به گونه‌ای که از طریق آن، هر یک از افراد جامعه به زندگی کرامت‌مندانه‌ای دست یابد. این مهم، نه تنها یکی از اهداف اقتصادی است، بلکه از عناصر اصلی در فرایند توسعه به شمار می‌آید.

در دیدگاه اسلامی، اگر مردم به ادای حقوق مالی خود بپردازند نیاز همه نیازمندان تأمین می‌شود، تا آن جا که دیگر فقری باقی نمی‌ماند. امام صادق علیه‌السلام به همین مطلب اشاره فرموده است: «لَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتاجَ أَحَدٌ»^{۳۰}: اگر مردم زکات اموالشان را بپردازند، هیچ کس نیازمند نخواهد بود.

در این میان، سخنی دیگر از امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام به چشم می‌خورد که در آن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ»^{۳۱}

همانا خداوند سبحان، خوراک فقیران را در دارایی ثروتمندان واجب فرموده است. پس هیچ فقیری گرسنه نمانده، مگر به دلیل آن که ثروتمندی از حق او بهره‌مند شده؛ و خداوند والا ایشان را بدین جهت بازخواست خواهد کرد.

به عکس، در اسلام، تأمین نکردن نیازهای نیازمندان از موانع اساسی در مسیر توسعه اقتصادی و شکوفایی معیشتی تلقی می‌شود. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: در نوشته رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین یافتیم:

«إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَرِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا»^{۳۲}

^{۲۷} بحار الأنوار: ۲۳ / ۲۰۴ / ۱

^{۲۸} بحار الأنوار: ۱ / ۱۱۸ / ۶۴

^{۲۹} محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۲)

^{۳۰} الكافی

^{۳۱} نهج البلاغة: الحكمة ۳۲۸

^{۳۲} الكافی: ۲ / ۳۷۴ / ۲ ، بحار الأنوار: ۳ / ۳۶۹ / ۷۳

هر گاه مردم زکات نپردازند، زمین برکت‌های خود، همچون کشت و میوه و معدن را، یکسره، از ایشان باز می‌دارد».

۴- اهداف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، ماهیت دینی داشته و به عنوان مهمترین ابزار حکومت اسلامی است. وقتی صحبت از اقتصاد مقاومتی می‌کنیم، تصور ما نوعی از اقتصاد اسلامی است؛ یعنی اقتصادی که ریشه در جهان‌بینی توحیدی و الهی دارد و شامل مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت است. این الگو نه الگوی سوسیالیستی و نه الگوی سرمایه‌داری است. بررسی روایات و آیات مختلف نشان می‌دهد که در تفکر اسلامی هر اقدامی برای ایجاد توازن در معیشت، امری اقتصادی است که قلمروهای هزینه، منافع و درآمد را شامل می‌شود؛ از این رو در تفکر اسلامی اقتصاد برابر است با توازن در زندگی و معیشت.

در مورد بخش مقاومت باید گفت، این یک واقعیت غیر قابل انکار است که کشور ما در عرصه‌های مختلف دشمن‌های زیادی دارد و می‌توان گفت مهمترین این عرصه‌ها، فعالیت اقتصادی است. کشور ایران در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصصی قرار دارد. بنابراین در این فضای جایگاه مکتبی اقتصاد و بحث مقاومت در برابر تهدیدات، اقتصاد مقاومتی یک مدیریت اسلامی-ایرانی جامع است. رسالت این است که باید از حیثیت و هویت خودمان در مقابل تهدیدات دفاع کنیم و ابزاری در این مسیر، بایستی وارد برنامه‌ریزی و استراتژی‌های اقتصادی کشور شود؛ این یعنی اقتصاد مقاومتی.

اقتصاد مقاومتی، مکمل اقتضایی اقتصاد اسلامی است. امروز از یک طرف دشمن بیرونی و دشمن داخلی وجود دارد و از طرف دیگر، امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. حال مدیریت ایرانی-اسلامی در این موقعیت و شرایط همان اقتصاد مقاومتی است که چراغ راه نظام جمهوری اسلامی خواهد بود. اهداف اقتصاد مقاومتی را می‌توان به این صورت خلاصه نمود: اول، اقتصاد کشور اسلامی در برابر نقشه‌های اقتصادی دشمنان آسیب پذیر نگردد. این هدف از تحریم‌های شدید دشمنان کشور که از ابتدای انقلاب اسلامی روز به روز تشدید گردیده است، نشأت می‌گیرد. مساله تحریم‌ها یک واقعیت انکار ناپذیر است و لذا برنامه‌ریزی درست ایجاب می‌کند که به عنوان یک متغیر موثر در اقتصاد در نظر گرفته شده و مدلسازی مناسب در جهت برخورد با آن انجام پذیرد.

دوم، نظام اقتصادی برآیند الگوی بومی یعنی ایرانی-اسلامی باشد ما از دوران حکومت پهلوی شاهد این موضوع هستیم که در زمینه نظری و فکری اقتصاد کاملاً تابع اقتصاد حاکم بر غرب بوده و حتی در حال حاضر نیز مهمترین منابع درسی دانشگاهی علوم اقتصادی مربوط به کتابهای منتشر شده آمریکا و اروپا می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که هنوز فاصله زیادی در ایجاد نظام اقتصادی بومی که ماهیت ایرانی و اسلامی داشته باشد، وجود دارد. یک جنبه از اهداف اقتصاد مقاومتی مربوطه به حرکت در مسیر رشد و توسعه ایرانی-اسلامی می‌باشد.

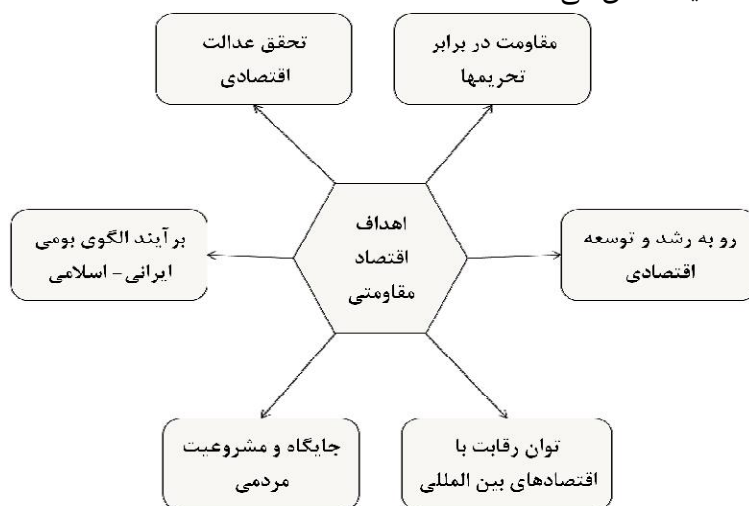
سوم، اقتصاد حاکم، جایگاه و مشروعیت مردمی داشته باشد؛ یعنی فرهنگ مردم و اقتصاد حاکم مقوم هم باشند. مردم سالاری دینی، از اهداف حکومت‌های اسلامی از صدر اسلام تاکنون بوده است. بدون حمایت و پذیرش مردمی، نظام‌های حاکم هرگز نخواهند توانست اهداف خود را محقق سازند. اقتصاد مقاومتی یک جنبه

فرهنگ سازی و نهادینه کردن آن را در پایگاه مردمی داراست و این موضوع از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی محسوب می شود.

چهارم، مسیر آینده اقتصاد رو به رشد و توسعه باشد. باید این واقعیت را بپذیریم که ایران یک کشور در حال توسعه بوده و تا رسیدن به گروه کشورهای توسعه یافته، باید رشدهای اقتصادی بالاتری (بالاتر از رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته) را تجربه کند. چرا که برای رسیدن به رقیب جلوتر در حالتی که آن رقیب خود نیز در حال حرکت است، باید سرعت بیشتری از آن را دارا بود. برنامه های رشد اقتصادی کشور چین، هند و کشورهای جنوب شرق آسیا بهترین مثال برای این موضوع است که در سالهای اخیر با تجربه رشدهای اقتصاد بالاتر به سرعت خود را به کشورهای توسعه یافته نزدیک می کنند.

پنجم، اقتصاد کشور همپای اقتصادهای قوی بین المللی بوده و توان رقابت با آنها را داشته باشد. اقتصاد هرگز نمی تواند بدون نقش آفرینی در سطح بین المللی ادامه حیات دهد. اگر اقتصاد کشوری توان رقابت با سایر اقتصادها را نداشته باشد، به سرعت سهم آن در اقتصاد بین الملل تقلیل یافته و این موضوع مقاومت آن را به شدت کاهش خواهد داد؛ لذا توان رقابت بین المللی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی است.

ششم، همپای رشد اقتصادی باید، عدالت اقتصادی نیز در بین افراد جامعه برقرار گردد. یکی از مشخصه های اقتصاد اسلامی با سایر اقتصادهای غیردینی در این است که، در اقتصاد اسلامی، رشد اقتصادی به قیمت ایجاد فاصله طبقاتی زیاد در بین مردم، قابل پذیرش نیست. البته این موضوع در اقتصادهای غربی به نوعی در تفاوت قائل شدن بین رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی پرداخته شده است و برقراری برابری بین افراد از شاخصهای توسعه اقتصادی معرفی شده است. اما دو تفاوت با آنچه در اقتصاد اسلامی است وجود دارد: اولاً، تعریف عدالت در اسلام با تعریف عدالت در آن اقتصادهای متفاوت است و دوماً، عدالت نقش کلیدی در توسعه اقتصادی اسلامی دارد و مهمتر از سایر شاخصهای می باشد. نمودار شماره ۱، شش هدف اصلی اقتصاد مقاومتی را بصورت شماتیک نشان می دهد.



نمودار شماره ۲: اهداف اقتصاد مقاومتی

۵- ماهیت شناسی اقتصاد مقاومتی: ماهیت ایرانی-اسلامی اقتصاد مقاومتی

ماهیت اسلامی اقتصاد مقاومتی: برای اینکه به ماهیت و کنه اقتصاد مقاومتی پی ببریم، ابتدا فرمایشات آیت‌الله جوادی آملی، مفسر قرآن، در دیدار با جمعی از مسئولین و اعضای انجمن اسلامی وزارت اقتصاد و دارایی را مورد توجه قرار می‌دهیم. بخشی از فرمایشات ایشان اجمالاً به شرح زیر است:^{۳۳}

اقتصاد مقاومتی یک ستون فقرات می‌خواهد و آن دین است. مسئله اقتصاد بعد از اعتقاد جزء مهم‌ترین عناصر استقلال سیاسی یک مملکت است. آستان‌داری متافیزیکی یعنی مقاومت هم به اقتصاد وابسته است. اگر ستون فقرات ملت‌ای که همان مسائل مالی و امکانات مالی آنهاست شکسته بود این قدرت مقاومت ندارد و از پا در می‌آید. اگر ستون فقرات ملتی که دین آنهاست آسیب ببیند این ملت قدرت مقاومت ندارد یعنی اقتصاد مقاومتی که فرمودند توفیقش نصیب اینها نمی‌شود توفیقش نصیب کسانی می‌شود که ستونی دارند و ستونشان را با دین حفظ کردند.

بنابراین ما باید دو کار کنیم، یکی اعتقاد را که آن ستون اصلی است حفظ کنیم و دیگری اقتصاد را که یک ستون فرعی است حفظ کنیم. اگر ما می‌شنویم فلان کارخانه کارگرها را بیرون کردند باید راه‌حل پیدا کنیم یا فلان کارخانه در آستانه تعطیلی است باید راه‌حل پیدا کنیم. ما زیارت عاشورا می‌خوانیم دعای کمیل می‌خوانیم نمازهای مستحبی می‌خوانیم و مانند اینها، اینها همه وظیفه است و ثواب الهی را به همراه دارد اما آنکه مشکل جامعه را حل می‌کند آن درایت اقتصادی است.

وجود مبارک پیغمبر به خدای سبحان عرض می‌کند «اللهم بارک لنا فی الخبز و لا تفرق بیننا و بینة فلولاً الخبز ما صمنا و لا صلینا و لا اذینا فرائض ربنا عزوجل»^{۳۴} یعنی خدایا بین ما و نان ما جدایی نینداز! منظور از نان اقتصاد است، نان یعنی اقتصاد مملکت. عرض کرد: خدایا بین مسلمان‌ها و نان‌ها، اقتصاد آن‌ها جدایی نینداز، زیرا اگر بین مسلمین و نان آن‌ها جدایی افتاد دیگر دین داری مشکل است.

ملت اگر بخواهد اقتصاد مقاومتی داشته باشد باید مالش را به دست عقلا بدهد نه به دست سفیهان، خوب اگر این اصول رعایت شد، هم درآمد محفوظ است و هم هزینه‌ها متعادل است، در سوره مبارکه نسا (آیه ۵) فرمود: عامل قیام و مقاومت ملت همان مسائل اقتصادی است. فرمود: (وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا)؛ مال، عامل مقاومت است، عامل قیام است، عامل استقامت است، شما این را حفظ بکنید، به دست هر کسی ندهید، اگر این مال، عامل قیام است به دست سفیهان جامعه ندهید.

اقتصاد مقاومتی، ستون مقاومت می‌خواهد. ستون مقاومت هم همان اعتقاد است، وقتی کسی این فساد را ببیند این ناهنجاری را ببیند خوب تحمل نمی‌کند. بنابراین ما باید مواظب باشیم که بعضی‌ها فقط به درد دعای کمیل می‌خورند در برابر جنگ‌ها و حمله‌ها نمی‌توانند بایستند ما اگر توانستیم اقتصاد مقاومتی را در کنار اعتقاد پیوند بزنیم راه درآمد را توسعه می‌دهیم بعد مالیات می‌گیریم حق مشروع دولت هم است مردم هم کاملاً جانانه تسلیم می‌کنند اگر هم یک وقت نبود، همه تحمل می‌کنند اما اگر باشد و نابسامان باشد تحمل‌پذیر نیست! بر خلاف بساط کمونیستی که اقتصاد در رأس است، اقتصاد نزد ما مسلمان‌ها در صف دوم است، آن اعتقاد است که اصل است،

^{۳۳} . فرمایشات آیت الله جوادی آملی، دیدار با جمعی از مسئولین و اعضای انجمن اسلامی وزارت اقتصاد و دارایی، شهریور ۱۳۹۱

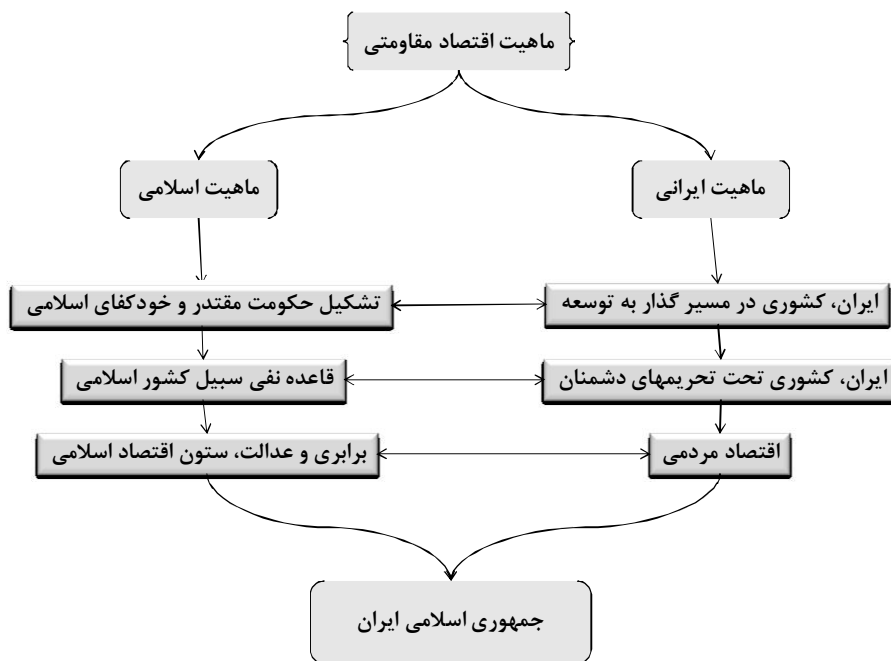
^{۳۴} . الکافی، ج ۶، ص ۲۸۷

بیان نورانی حضرت امیر(سلام الله علیه) این است که «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأُبْعِدَهُ اللَّهُ»^{۳۵} مَلْتی که آب دارد، خاک دارد، ولی محتاج است خدا او را از رحمت خود دور کند. باید دانست چگونه ما از درآمد مملکت استفاده کنیم و بفهمیم بین سرمایه و درآمد فرق است، نفت، سرمایه است نه درآمد، کسی با نفت فروشی بخواهد مملکت را اداره کند یعنی با سرمایه فروشی. نفت را باید تبدیل کرد به یک سرمایه ی دیگر، از آن درآمدش باید استفاده کرد.

بنابراین اقتصاد مقاومتی، ماهیت دینی داشته و به عنوان مهمترین ابزار حکومت اسلامی است. وقتی صحبت از اقتصاد مقاومتی می‌کنیم، تصور ما نوعی از اقتصاد اسلامی است؛ یعنی اقتصادی که ریشه در جهان بینی توحیدی و الهی دارد و شامل مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت است. این الگو نه الگوی سوسیالیستی و نه الگوی سرمایه‌داری است. بررسی روایات و آیات مختلف نشان می‌دهد که در تفکر اسلامی هر اقدامی برای ایجاد توازن در معیشت، امری اقتصادی است که قلمروهای هزینه، منافع و درآمد را شامل می‌شود؛ از این رو در تفکر اسلامی اقتصاد برابر است با توازن در زندگی و معیشت. در مورد بخش مقاومت باید گفت، این یک واقعیت غیر قابل انکار است که کشور ما در عرصه‌های مختلف دشمن‌های زیادی دارد و می‌توان گفت مهمترین این عرصه‌ها، فعالیت اقتصادی است. کشور ایران در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصصی قرار دارد.

بنابراین در این فضای جایگاه مکتبی اقتصاد و بحث مقاومت در برابر تهدیدات، اقتصاد مقاومتی یک مدیریت اسلامی-ایرانی جامعه است. رسالت این است که باید از حیثیت و هویت خودمان در مقابل تهدیدات دفاع کنیم و ابزاری در این مسیر، بایستی وارد برنامه‌ریزی و استراتژی‌های اقتصادی کشور شود؛ این یعنی اقتصاد مقاومتی. اقتصاد مقاومتی، مکمل اقتصادی اسلامی است. امروز از یک طرف دشمن بیرونی و دشمن داخلی وجود دارد و از طرف دیگر، امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. حال مدیریت ایرانی-اسلامی در این موقعیت و شرایط همان اقتصاد مقاومتی است که چراغ راه نظام جمهوری اسلامی خواهد بود. ماهیت ایرانی اقتصاد مقاومتی: شکی نیست که الگوی اقتصاد مقاومتی، نسخه‌ای برای درمان شرایط و مقتضیات اقتصادی حال حاضر کشور جمهوری اسلامی ایران است. چرا که این مسیر از بصیرت هوشمندانه مقام معظم رهبری در شناخت شکافها و چالشهای روز کشور سرچشمه گرفته است. از یک سو دشمنان شدت تحریمهای اقتصادی را روز به روز بیشتر می‌کنند و از سوی دیگر ایران یک کشور در حال توسعه است و هنوز راه زیادی تا توسعه یافتگی دارد و بنابراین نیل به این مقصد، تنها در سایه مقاومت و پایداری در مسیر توسعه اقتصاد خواهد داشت. بنابراین اقتصاد مقاومتی یک الگویی برای پشت سر گذاشتن موانع توسعه اقتصادی نه در سایر کشورها بلکه مختص ایران است.

^{۳۵} . قرب الاسناد(۱۳۸۲)



نمودار شماره ۳: ماهیت ایرانی و اسلامی الگوی اقتصاد مقاومتی

۶- اقتصاد مقاومتی، به عنوان الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

کشور ایران از همان ابتدای تحولات مدرن بشری، به علت موقعیت جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی خود و همسایگانش از وضعیت استراتژیک برخوردار بوده است. این نکته باعث گردیده که در تمامی سالهای دو قرن گذشته، همیشه خارجیان یکی از عوامل اساسی در طراحی استراتژی تحول جامعه باشند. لذا به نظر می رسد که استراتژی تحول اجتماعی و اقتصادی کشور در تمامی مقاطع زمانی طی دوران مدرن بشری در اثر ارتباطات پیچیده و متقابل عوامل خارجی و داخلی شکل گرفته باشد.^{۳۶}

دورکهام معتقد است که اساساً یک جامعه بدون آرمان تشکیل نمی شود و لذا با توجه به اینکه ارزشها نقش محوری در آرمانهای یک جامعه دارند می توان به امیت ارزشها پی برد. آلبرت هیرشمن نیز عامل مهم وحدت و بسیج آنها برای توسعه را مجموعه ای از ارزشها می داند که آثار خود را بر تمامی سیستم منعکس می سازد. وی معتقد است برای توسعه، از طریق بسیج ملی، انگیزه بیشتر و بنابراین رشد بیشتری به همراه خواهد داشت.^{۳۷}

اقتصاد مقاومتی الگویی است که مقام معظم رهبری برای اولین بار در سال ۱۳۸۶^{۳۸} مطرح ساختند و در سال ۱۳۹۱^{۳۹}، در بیانات حکیمانه خود، این الگوی اقتصادی را تبیین نمودند؛ ایشان خطاب به هیئت دولت فرمودند: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد

^{۳۶}. عظیمی، ۱۳۸۹

^{۳۷}. مومنی، فرشاد(۱۳۸۶)

^{۳۸}. در صحن مطهر علی بن موسی الرضا(علیه الصلوة و السلام) در سخنرانی اول سال

^{۳۹}. در دیدار هیئت دولت با ایشان در هفته دولت

اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از هم‌هی ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.»

بعد از انقلاب بزرگ اسلامی، ملت ایران دوران سخت جنگ تحمیلی را تجربه کردند. بعد از جنگ، اقتصاد ایران شدیداً وابسته به نفت بود و در حالیکه بحث اقتصاد بدون نفت و درآمدهای نفتی را مقام معظم رهبری از ۲۰ سال پیش مطرح فرمودند، اما متأسفانه اقتصاد کشور بالای ۶۰ درصد وابسته به نفت است؛ این درحالیست که بعد از دوران جنگ، نه تنها از شدت دشمنی‌های دنیای غرب با نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، کاهش پیدا نکرد، بلکه این دشمنی‌ها از حوزه نظامی و تروریستی، به حوزه اقتصاد و فرهنگ انتقال پیدا کرد و می‌توان گفت که این کینه‌توزی‌ها حتی از دوران جنگ نیز بیشتر شد.

در داخل کشور، از یک سو، بنوعی فرهنگ مصرف‌گرایی، رفاه‌زدگی، چشم‌هم‌چشمی و تقلید از دنیای غرب رواج یافت؛ و از سوی دیگر حرکت جدی جهت برون‌رفت جامعه از یک اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به نفت صورت نگرفت. البته مقابله با تحریم‌ها در بسیاری از حوزه‌ها از جمله تکنولوژی و علم، پیشرفتهای زیادی را برای کشور به ارمغان آورد، اما در حوزه اقتصاد، حرکت بارزی صورت نگرفت؛ و این در حالی است که ضعیف‌ترین حلقه ما، حلقه اقتصاد است و به همین دلیل است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند، دشمن تنها از این طریق می‌تواند وارد شود و زحمات خود را برای این کار نیز می‌کشد.

امروزه جمهوری اسلامی در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ‌عنوان تاکنون چه در عرصه‌ی نظر و در کتاب‌های درسی و چه در عرصه‌ی عمل و تجارب بشری مشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است. بنابراین خود نظام جمهوری اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است.

۷- خلاصه و نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت توسعه اقتصادی و نقش بارز آن در بنا نهادن جامعه‌ای آرمانی، بر هیچ‌کس پوشیده نیست تا آنجا که می‌توان آن را از اولویتهای دنیای امروز دانست، اولییتی که بر اساس آن بسیاری از محاسبات و معادلات جهانی شکل می‌گیرد. توجه در متون اسلامی در این زمینه، نشان می‌دهد که اسلام در پرداختن به مسائل و مباحث مربوط به توسعه اقتصادی، از همه مذاهب و مکاتب دیگر پیشی گرفته است.

الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، پیشرفتی که از نظر کیفی، فاصله گرفتن از الگوهای غربی است؛ که در عین اینکه کمیت را شامل می‌شود، کیفیت را هم در بر می‌گیرد. به این معنی که الگوهای غربی بیشتر در فضای انسان‌شناسی و تمدن غربی قرار دارد، ساخت غالب آن، ساخت مادی است. اما در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت تمام موضوعاتی که برای انسان در نظر گرفته می‌شود، (موضوعات فرهنگی، حقوقی، فلسفی، جامعه‌شناسی، سیاسی و تمدنی) همه حول یک محور می‌چرخند و آن محور توحید است.

اقتصاد مقاومتی، الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی در حیطه اقتصاد است. این ادعا از اهداف اقتصاد مقاومتی و ماهیت آن سرچشمه می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی، ماهیت دینی داشته و به عنوان مهمترین ابزار

حکومت اسلامی است. وقتی صحبت از اقتصاد مقاومتی می‌کنیم، تصور ما نوعی از اقتصاد اسلامی است؛ یعنی اقتصادی که ریشه در جهان‌بینی توحیدی و الهی دارد و شامل مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت است. در اسلام سلطه کفار بر مسلمین به هر درجه رنگ و صورت قابل قبول نیست و این اتفاق همه فقها از صدر اسلام تاکنون است. با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی با اقتصاد چالشها و کمبودهای اقتصاد ایران در زمان کنونی مطرح شده است، بنابراین یک الگوی بومی نیز می‌طلبد که ماهیت ایرانی آن را نمایان می‌سازد. بنابراین در این فضای جایگاه مکتبی اقتصاد و بحث مقاومت در برابر تهدیدات، اقتصاد مقاومتی یک مدیریت اسلامی- ایرانی جامعه است.

بنابراین اگر دنبال مسیری برای پیشرفت ایرانی-اسلامی در حیطه اقتصاد هستیم، باید به الگوی اقتصاد مقاومتی مورد تاکید مقام معظم رهبری رجوع کنیم. اگر اقتصاد مقاومتی در کشور تحقق یابد، شکی نیست که ما به یک پیشرفت ایرانی-اسلامی دست پیدا کرده ایم که به مقتضیات شرایط کشور و بر اساس توانمندی داخلی و با محوریت توحید ایجا شده است؛ و بنابراین چنین رشدی الگویی خواهد بود برای تمامی کشورهای اسلامی و سایر کشورهای در حال توسعه.

منابع

- الإرشاد(۱۳۸۳)، محمد بن محمد بن النعمان التلعکبری(شیخ مفید)، اسلامیه، چاپ پنجم.
- بهشتی، محمدباقر(۱۳۸۳)، توسعه اقتصادی ایران، انتشارات دانشگاه تبریز.
- بحار الانوار، علامه مجلسی. دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- جهانیان، ناصر(۱۳۸۶)، بنیادهای توسعه اقتصادی عادلانه در اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، ص ۱۵۹.
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال(۱۳۸۱)؛ فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۲۳۷-۲۴۲.
- رحمتی، محمد کاظم(۱۳۸۲)، قرب الاسناد حمیری، نشر اطلاع رسانی و کتابداری کتاب ماه دین .
- طوسی، محمد بن الحسن(۱۴۱۴قمری)، الأملی للطوسی، مؤسسه البعثه، نشر دار الثقافه، چاپ اول، قم.
- عظیمی، حسین(۱۳۸۹)، مداررهای توسعه نیافتگی اقتصاد ایران، نشر نی، تهران.
- فرهی، وحیده و
- قره‌باغیان، مرتضی(۱۳۷۳)، اقتصاد رشد و توسعه، تهران، نشر نی، جلد اول، ص ۶۶-۷۶.
- کلینی، ثقة الاسلام، اصول کافی، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران.
- مومنی، فرشاد(۱۳۸۶)، اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری، نشر نقش و نگار، تهران.
- نهج البلاغه. ابوالحسن محمد بن حسین موسوی(سید رضی)
- محمدی ری شهری، محمد(۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم.
- مطهری، مرتضی(۱۳۶۲)، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، انتشارات اسلامی، قم.
- ولفگانگ زاكس(۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرحی و وحید بزرگی، نشر مرکز تهران.
- Thirlwall, A. P(1999), Growth and Development, With Special Reference to Developing Economies, 6th eds, Macmillan Press Ltd, London.
- Todaro, P. Michael(2002), economic development, Pearson Education, Sep 1, 864 pages.